



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۲/۰۶

افغان جرمن آنلاين

خليل الله جان معروفی، حاسد بزرگ يا بقول زیبای جناب حسیب الله «داکتر بر این ادب دری»

اعزاز یعنی عزیز شمردن، گرامی داشتن، ارجمند کردن، عزت دهی به اشخاص است، که در عمل خدمتی را و در نظر بزرگی را انجام داده باشد، خطاب می گردد.

هزل در لغت به معنای بیهودگی و لاغر گردانیدن کسی آمده است و آن را به معنای لاغ و سخن بیهوده که خلاف جد و جدیت باشد، پذیرفته اند. این خصلت بسیار ارزنده از خوان میسوط فرهنگ عامیانه مردم بر می خیزد، که یکی را با لقب احترامانه عزت میکنند و دیگری را با هجو مذمت کنند. این خصلت میتواند به بسیار آسانی اشخاص قابل اکرام و اعزاز را ویا اشخاص غیر اکرام و اعزاز را برای مردم نیک معرفی کند. که ضرورتی به تومار نویسی های طویل ندارد.

چنین خصلت کوتاه سازی در ذات خود، فرهنگ جهانی شده است که هزاران سال قدامت تاریخی دارد.

بطور مثال گویند: کسی خود را در تفکر غرق نشان میداد، یکی از او پرسید خیرت است؟ آن شخص با تکبر جواب داد که، من افلاطون هستم. گفتند افلاطون هزاران سال قبل از جهان رفته است. آن ممثل ناکام هرزه گفت: او برای خود افلاطون بود و من برای خود.

پرسنده متوجه شد، از او جز مردم فریبی چیزی دیگری ساخته نیست. فی البدیهه به کسانی که حیرت زده او را تماشا می کردند گفت، این آغا «پوقان هوانی» است چون این اسم به عمل او سازگاری داشت، ازینرو اسم با مسمی شد و تا که زنده بود او را مردم به نام «پوقان هوانی» میشناختند یا مسترکچالو، گل آغای پتونی یا چومی و همچنان داکتر نجیب که به ریاست جمهوری هم رسید، ولی از لقب داده شده مردم رهائی نیافت، حتی در روزنامه های فرنگی او را نیز به همان نام خطاب میکردند.

یا کسی که خود را به تجاهل میزند و از حقایق ملموس اغماض می نماید، به او لقب اباجهل میدادند (چنانچه که ابوالحکم که بنا به اغماض های مکرر از حقایق که مسلمانان را می آزد، لقب ابوجهل را از جامعه دریافت کرد. مولانا در آن مورد چنین نظر دارد:

بوالحکم نامش بُد و بوجهل شد

ای بسا اهل از حسد نااهل شد.

اکنون در مورد خلیل الله جان معروفی، حاسد بزرگ، مخزن الاسرار از کینه و عناد، شخص خود بین و خودستا، رانده شده از وبسایت دو آتشه شعله ای و حالا تبدیل شده به یک وبسایت ایرانی "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" و پناه برده به وبسایت با پروفایل متفاوت ... که جز خودش و یک امت اش نسیم جان اسپر دیگر هیچ امتی ندارد، که نوشته های آلوده به عناد او را توصیف کند، بقول عوام چون هیچ صفتی در آنها وجود ندارد، تا آنرا تمجید کرد.

کسیکه تا این حد تنزیل شخصیت کند، که از در ماندگی به صفت نوشته های خود، خودش ببردازد، به گریه می ماند که خود را در آینه شیر می بیند.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

چنین شخصی که جمع از حقایق نویسان را با حقارت درونی خودش « لشکر افغان جرمن » خطاب می کند و بی ادبی خود را ادب قلمداد می نماید، جز ابوجهل چه نامی به او تفویض باید کرد؟ از تمام دوستان و بزرگان تقضا میکنم، تا نام به او تفویض نمایند، که اینهمه حسادت، عناد ، خودستائی، خود بینی را سزاوار باشد. چنانچه این حاسد بزرگ عذر بدتر از گناه پیش می آورد که :

معروفی جان می نویسد :

"این مقاله، مطلب تازه و "کاغذپیچ" نبود، بلکه مقاله ای بود، که به تاریخ 30 اگست 2015 نوشته شده و در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" انتشار یافته بود. بلی؛ این مقاله در زمان حیات داکتر هاشمیان نگاشته و با دلایل فنی و از هاشمیان تقاضاء شده بود،"

پس اگر چنان بود، چرا معروفی جان بار دیگر این مقاله گرد زده یا بهتر بگوئیم گرگ زده را از انبار خود بیرون میکشد و آنرا در وبسایت که متصدی آن دوستی شصت ساله با مرحوم هاشمیان داشت بعد از مرگ وی دوباره نشر میکند؟

بعضی ها در پیری دانا، عاقل و فرزانه میشوند، بعضی ها حسود، کینه توز و بدخلق!